یادداشت دانشجویی

هیس! دانستن حق مردم نیست!

* محمد زندی-فعال دانشجویی

FATF، IPC، Fact Sheet، Crescent، Statoil و... . فرض کنید که خبرنگاری آزاد یا یک آمارگیر به میان مردم رفته و از ایشان درباره چیستی این واژگان بیگانه و اختصارات لاتین، سوال بپرسد. به نظر شما پاسخ مردم به این پرسش چه خواهد بود؟ حالات گوناگونی را می‌توان در مواجهه مردم با این سوال متصور بود. ممکن است در همان بدو امر اظهار بی‌اطلاعی کنند؛ یا شاید به علت تخصصی بودن این واژگان، پرسشگر را به اهل فن ارجاع دهند. امکان این هم وجود دارد که ملت، از صدقه سر گشایش‌های برجام و گرو بودن هشت نزد نُه‌شان، با استعانت از قوه قهریه، پرسشگر را بنوازند!

اشتباه نشود! حتی به فرض پایین بودن آستانه تحمل مردم، نمی‌توان از ایشان گله کرد، چراکه ایشان همان ولی‌نعمتان انقلابند. گلایه را باید از کدخداباورانی کرد که به حدی اکثریت مردم را در گیر «لقمه نانی» کرده‌اند که دیگر مجالی برای تفکر درباره این به اشتباه «خربزه فرنگی»ها باقی نمی‌ماند!

آن دسته از اقلیت مردم هم که دستشان به دهان می‌رسد، دغدغه نان شب نداشته و فرصت برای کنکاش دارند، اما آنقدر با حجم گسترده‌ای از موهومات و مکتومات روبرو می‌شوند که عطای فهم آن را به لقایش می‌بخشند و ترجیح می‌دهند که اطلاعات بیشتر در این باره را از رسانه‌ها بشنوند. در این میان بجز معدود رسانه‌های مستقل و دلسوز کشور اما اکثریت مشاطه‌گران زنجیره‌ای، سر در دیگ پلوی اغیار دارند و آنقدر بر روی منافذ قطور این اصطلاحات ناشناخته، ماله می‌کشند که راهی جز تفأل خیر و همراهی با این پروپاگاندای رسانه‌ای، برای مردمان ساده و از همه‌جا بی‌خبر، باقی نخواهد ماند! البته انگشت‌شمار رسانه‌هایی هم که سعی در افشای حقایق دارند، یا با ضرب مهر و موم «محرمانه» بر دهانشان مواجه می‌شوند و یا باید پیه فیلتر و توقیف را بر تن بمالند!

به راستی این ممانعت از انتشار آزادانه اخبار در بین مردم، چه منفعتی را درپی خواهد داشت؟ هدف از این سِکرت‌بازی‌ها چیست و چرا در ۳ سال گذشته، «نداستن» حق مردم شده است؟! چرا بعد از آنکه رشوه Statoil پرداخت شد؛ وزارت نفت در پرونده Crescent محکوم شد؛ Fact Sheet همان «خسارت محض» شد؛ IPC قوز بالا قوز شد و FATF آینه دق، تازه مردم باید در جریان این دسته گل‌های به آب داده، قرار بگیرند؟! چماق ساختن از طبقه‌بندی‌های «محرمانه»، «خیلی محرمانه»، «سری» و «به کلی سری» برای کوفتن بر سر رسانه‌های کنجکاو، تاکنون چه دستاوردی داشته است؟ چرا برخی به قول خودشان «متخصصان امنیت ملی»، از افشای حقایق هراس دارند؟ مگر نه اینکه راستگویان پاکدست نباید از محاسبه باکی داشته باشند، پس این همه جیمزباندبازی برای چیست؟!

الحق که تاریخ پیوسته در حال تکرار است. تنها فُرم وقایع تغییر می‌کند، وگرنه محتوا یکسان است. نگارنده همواره از گذشته با این چالش ذهنی دست به گریبان بوده که چگونه تاریخ در جریان انعقاد قراردادهای ترکمانچای، قره‌باغ یا جدایی هرات، هیچ‌گونه مقاومتی از مردم را مخابره نکرده است؟! اگرچه تمامی این قراردادها پس از جنگ‌هایی طاقت‌فرسا منعقد گردیده‌اند اما نه تنها مردم در نتیجه آن دخیل نبودند بلکه در مواردی به شکرانه این معاهدات، به جشن و پایکوبی نیز پرداخته‌اند!

فیلم سینمایی «جنگجوی پیروز» به کارگردانی مجتبی راعی، به زیبایی این موضوع را به تصویر کشیده است. در سکانس پایانی از این فیلم، ناصرالدین‌شاه که در تدارک جشن فتح هرات است به ناگاه خبردار می‌شود که قشون بریتانیا با ۸ هزار سرباز و ده ها قبضه توپ از بوشهر به سمت تهران در حرکتند. پس از آن است که وزیر مختار بریتانیا در همان اثنای جشن به دیدار ناصرالدین‌شاه می‌رود و از او «عقب نشینی قشون ایران از هرات»؛ «تضمین اعطای عینی حقوق پلتیکی و تجاری اخذ شده توسط روس در جریان معاهده ترکمانچای، به انگلستان»؛ «حق تأسیس کنسولی بریتانیا در تمامی شهرهای ایران»؛ «حق مصونیت (کاپیتولاسیون) اتباع و تحت‌الحمایگان انگلستان در ایران»؛ «تسویه دانستن تمامی بدهکاری‌های بریتانیای کبیر به دولت فخیمه ایران» و «حق تعیین صدارت اعظمی ایران از سوی انگلیس» را طلب می‌کند و ناصرالدین‌شاه نیز لاجرم به واگذاری تمام این امتیازات به انگلستان است که بعدها به عنوان «معاهدهٔ پاریس» شناخته می‌شود! جالب اینجاست که پس از این بده‌بستان کاملاً یکطرفه، درباریان و مردم بی‌خبر، در حضور شاه و سفیر انگلستان، به شادمانی و نوافشانی می‌پردازند و جشن فتح هرات را ادامه می‌دهد؛ غافل از اینکه دیگر اصلاً هراتی وجود ندارد که بخواهند در حفظش پایکوبی کنند!

این خود نمونه‌ای از طنزهای تلخ تاریخ و شمه‌ای از نامحرم‌پنداری مردم است که ایشان را بر آن وا می‌دارد تا در ازای از کف رفتن این حجم از امتیازات، مسرورانه به شادمانی بپردازند؛ چون از اصل رخداد ناآگاهند، که اگر آگاه بودند، بجای خنده، باید خون می‌گریستند!

شاید قیاس مع‌الفارق باشد اما آنچنان هم بی‌راه نیست که بخواهیم جشن‌های پراکنده معدود علیانشینان پایتخت در ۱۳ فروردین ۹۴، به مناسبت تولد «برجام» را به جشن «فتح هرات» تشبیه کنیم! جشنی که به شوق «رفع تحریم‌ها»، «رونق اقتصادی»، «ایجاد اشتغال»، «رفع موانع ازدواج»!، «حل مشکل آب خوردن مردم»!، «حل معضلات زیست محیطی»! و...، برپا شد اما با گذشت یک‌سال از اجرایی شدن آن، نه تنها «تقریباً هیچ» دستاورد و عایدی برای ایران نداشته بلکه آنچنان دشمن را وقیح کرده که سخن از انعقاد برجام بعدی در مسائل ژئوپلتیک به میان می‌آورد و مسئولان را مجبور به تن دادن به برجام‌های فاجعه‌آمیز دیگری نظیر IPC و FATF می‌کند!

خب مسلم است که اگر ملت از حقایق آگاه شوند و عاقبت کار را بدانند، نه تنها به این معاهدات خسارت بار، تن نخواهند داد که حتی بدان معترض خواهند شد و از اجرای آن جلوگیری خواهند کرد. حال اینجاست که پای مسائل دست چندم و حواشی پررنگ‌تر از متن به قضیه باز شده و موضوعاتی همچون «بورسیه و ما ادراک مالبورسیه» و «پهنای باند اینترنت» و «لغو کنسرت‌ها» وارد میدان می شوند تا توجهات را از اولویت‌دارترین مسائل کشور منحرف سازند! به راستی چرا باید عده ای «کم‌سواد» راجع به FATF و IPC و...، اظهارنظر کنند و انذار دهند، آن‌وقت سیاهی لشکر به ظاهر «بیش‌سواد» درخصوص گشت ارشاد و فیلترینگ و ورود بانوان به استادیوم‌های ورزشی، خاموش باشند؟!

ناگفته پیداست که محرمانگی نشان از ترس دارد. روزی شخصی منتقدانش را «بزدل سیاسی» خطاب کرد و در مذمت ایشان با لحنی تند گفت: «می‌گویند ما می‌لرزیم. به جهنم؛ بروید یک جای گرم برای خود پیدا کنید. خداوند شما را ترسو و لرزان آفریده است.»! امروز اما هموست که ترس را با تمام وجود تجربه می‌کند و از «دانستن» بیم دارد چراکه «یوم تبلی السرائر» را نزدیک می‌بینند!

در پایان توجه مسئولان، به مرور چندباره این فرمایش رهبر انقلاب جلب می شود که فرمودند: «مسئولین باید ببینند مردم را و به خصوص نخبگان را از جزئیات و واقعیات مطلع کنند؛ ما چیز محرمانه نداریم، چیز مخفی نداریم. این مصداق همدلی با مردم است؛ همدلی یک چیز زورکی نیست، یک چیز دستوری نیست که کسی دستور بدهد که مردم همدلی کنید، مردم هم بگویند چشم، این همدلی نمی‌شود.»

واکنش‌ها به اظهارات وزیرعلوم درباره بسته شدن پرونده بورسیه‌ها

پرونده بورسیه‌ها مفتوح یا مختومه؟!

«بورسیه و ما ادراک مالبورسیه» سرآغاز ماجرایی بود که هزاران دانشجوی نخبه را درگیر خود کرد. دروغی که فقط و فقط با انگیزه‌های سیاسی به بیش از ۳۰۰۰ دانشجوی سرآمد این مرز و بوم نسبت داده شد اما بعدها مشخص شد که تنها ۳۶ نفر درگیر این جنجال تبلیغاتی بوده‌اند. اخیراً هم «ع.غ» منتشرکننده اسامی دانشجویان بورسیه دولت دهم به جرم نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به پرداخت چهل میلیون ریال جزای نقدی و تحمل یک‌سال حبس تعزیری محکوم شد و روسیاهی‌اش برای راستگویان باقی ماند!

در این میان اما پس از آن همه جار و جنجال و سر و صدا، محمد فرهادی، طی همین هفته در گفت‌وگو با رسانه‌ها در پاسخ به سؤالی درباره پرونده بورسیه‌ها اظهار داشت: «پرونده بورسیه دانشجویان بسته شده است»!

وزیر علوم دولت یازدهم درحالی به راحتی هرچه تمام‌تر، از مختومه شدن پرونده جنجال دروغین بورسیه‌های غیرمجاز سخن به میان آورده است که گویی فراموش کرده چه کسی باید پاسخگوی آسیب‌های مادی و معنوی وارد آمده به ۳۰۰۰ نخبه کشور باشد؟!

فرهادی در حالی پرونده دانشجویان بورسیه را در وزارت علوم مختومه اعلام کرده که طبق آمار غیررسمی ۱۲۴۱ دانشجوی بورسیه فاقد جایابی هستند و دانشجویان بورسیه زیادی از عدم پرداخت شهریه خود از سوی وزارت علوم خبر می‌دهند و هنوز مشکلات این دانشجویان حل نشده است.

در همین رابطه مجمع دانشجویان و دانش‌آموختگان بورسیه در بیانیه‌ای نسبت به ادعای اخیر وزیر علوم در خصوص بسته شدن پرونده دانشجویان بورسیه واکنش نشان داد. در متن کامل این بیانیه آمده است:

«پیرو مصاحبه آقای دکتر فرهادی، وزیر محترم علوم دولت موسوم به تدبیر و امید در خصوص بسته شدن پرونده بورسیه‌ها با خبرگزاری‌ها، جهت اطلاع و تنویر افکار عمومی ملت شریف ایران به ویژه جامعه دانشگاهی نکات زیر بیان می‌گردد.

۱- براساس قرائن موجود اساسا آقای دکتر فرهادی در وزارت علوم به صورت مسلوب‌الاختیار، در بی‌خبری کامل از مجموعه بزرگ زیر دست خود به سر برده و یک حلقه بسته مافیایی مشغول انتقال اطلاعات کاملا دروغ و جهت‌دار در امور مهم و جنجالی وزارت علوم، مانند رشد علمی، آمار دانشجویان، وضعیت فرهنگی، جذب هیئت علمی، رانت‌خواری برخی متنفذین در ورود به مقطع دکترا و پرونده بورسیه‌ها به ایشان می‌باشند. این مسئله، صراحتا توانایی آقای فرهادی را برای اداره عالمانه و بدون حاشیه یک وزارتخانه مهم جمهوری اسلامی ایران، زیر سوال برده و ادامه این وضع تاسف‌بار و بسیار بی‌سابقه، نه به صلاح دولت مدعی تدبیر و امید و نه به صلاح جامعه علمی و دانشگاهی است.

متاسفانه باند قدرتمند متشکل از اتاق جنگ وزارت علوم، از طرفی ایشان را در بی‌خبری محض نگه داشته و از طرف دیگر با ترغیب ایشان به اظهار نظرهای کذب مبتنی بر اطلاعات دروغ، خود را در حاشیه امن قرار داده است. به گونه‌ای که با آمد و رفت وزرا و سرپرستان مختلف، شاکله این باند مافیایی تغییری نکرده است.

۲- آقای دکتر فرهادی از بسته شدن پرونده بورسیه‌ها سخن گفته است، اما نگفته است که آیا واقعا می‌داند شرایط بورسیه چیست؟ و مطالبات مصرح قانونی دانشجوی بورسیه از چه قرار است؟ یک مقام ارشد دولتی آیا نباید اخبار مربوط به حوزه تحت مسئولیت خود را به صورت مستقیم از منبع اصلی دریافت کند؟ آیا می‌توان باور کرد که آقای دکتر فرهادی طی حدود دو سال وزارت، ماندن و خدمت در وطن، به تعهدات سنگین بورس تن داده و در داخل مشغول به تحصیل گردیده‌اند. طبق تعریف قانونی، دانشجوی بورسیه دولت جمهوری اسلامی ایران، به منظور تامین نیاز اعضای هیئت علمی بورس شده و در این خصوص یک قرارداد دو طرفه میان دانشجو و وزارت علوم به نمایندگی از دولت، بسته می‌شود و طبق این تعهد دو طرفه، دانشجو در مقابل سلب حق داشتن درآمد غیردانشگاهی و نیز اشتغال همزمان با تحصیل از خود، باید به مدت دو برابر استفاده از بورس تحصیلی به عنوان هیئت علمی برای دولت جمهوری رسیده است، را ندارد و تنها راه لغو آن ظلم، قلدری، سرکشی و گردن کشی در برابر قانون و حق‌الناس (یعنی کاری که دولت تدبیر و امید با دانشجویان بورسیه کرده است) می‌باشد.

۴- تعداد بسیاری از دانشجویان دارای حکم جایابی طبق دستور و ظلم مجموعه تحت مدیریت آقای دکترفرهادی، با لغو جایابی مواجه شده‌اند که این مشکل نیز کماکان پابرجاست و هر روز نیز بر تعداد آنها افزوده می‌شود. همچنین تعداد بسیار زیادی «بالغ بر ۱۶۰۰ نفر» از دانشجویان بورسیه فاقد جایابی بوده که در سه سال گذشته با همان شیوه ظالمانه وزارت زیر نظر آقای فرهادی از انجام جایابی بازمانده‌اند و وزارت علوم از جایابی آنان طفره می‌رود. و همچنین شهریه ۵۴۰ نفر از دانشجویان بورسیه نیز تاکنون به حساب دانشگاه‌ها واریز نشده است و تعداد ۳۹ نفر نیز به‌صورت ظالمانه ممنوع‌التحصیل شدند که هیچ دادگاه صالحه‌ای تاکنون پرونده این دانشجویان را بررسی و صحت ادعای وزارت علوم را نیز تایید نکرده است.

۵- در متن تعهد محضری دانشجویان بورسیه صراحتا محل خدمت دانشجو «وزارت علوم تحقیقات و فناوری» اعلام شده است و بر این اساس نیز دانشجو «ملزم به جایابی» نیست. پس وزارت علوم باید اولا در مدت تحصیل مستمری ماهانه تمام دانشجویان (اعم از دارای جایابی و یا فاقد جایابی) را علاوه بر شهریه پرداخت نماید، ثانیا وزارت علوم به نمایندگی از دولت مکلف است طبق این بند از تعهد قانونی دو طرفه، به جایابی دانشجو پس از فراغت از تحصیل اقدام نماید و دانشجو نیز موظف است هر محلی را که وزارت علوم مشخص می‌کند، به عنوان محل خدمت بپذیرد.

۶- فارغ از تمام استدلال‌های فوق شاید حادثه ناگوار پیش آمده برای مرحوم ایوب آقایی، دانشجوی مظلوم بورسیه دانشگاه کاشان و اهل یکی از مناطق دور افتاده و محروم استان ایلام، در تیر ماه ۱۳۹۵، بهترین گواه برای اثبات کذب بودن ادعای خلاف واقع آقای فرهادی مبنی بر حل مشکل دانشجویان بورسیه باشد.

در پایان به آقای فرهادی توصیه می‌کنیم در فرصت اندک باقی مانده به عمر این دولت پیش از آن که دیر شود، یا خود را از مهلکه اخروی ظلم به حدود ۳۷۰۰ دانشجوی مظلوم بورسیه کنار بکشد، یا به وجدان خود رجوع کند و شجاعانه جبران مافات نماید و با ظالمین و فتنه‌گرانی که در زیر سایه بی‌خبری وزیر مشغول انهدام پایه‌های علم و دانش در ایران اسلامی هستند، برخورد نماید.»

دانشگاه در جبهه - ۱۵۶

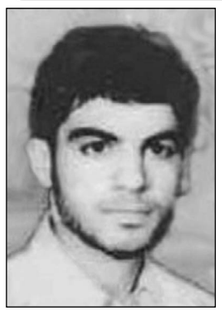

دانشجوی شهید قاسم باقی‌زاده

شهید قاسم باقی‌زاده در سال ۱۳۳۶ در شهرستان اراک دیده به جهان گشود. در زادگاه خود تا سال دوم دبیرستان ادامه تحصیل داد. سپس برای تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت نمود که به دلیل مشکلات مالی موفق نگردید.

در سال ۵۱ جهت کسب کار و درآمد به تهران رفت و در کنار کار، تحصیلاتش را به صورت شبانه ادامه داد و پس از اخذ دیپلم در سال ۵۴ در دانشگاه تبریز و رشته فیزیک پذیرفته شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت سپاه پاسداران در آمد و در سطح وسیعی اقدام به تشکیل کلاس‌های نظامی و عقیدتی نمود. با شروع جنگ تحمیلی علی‌رغم داشتن مسئولیت در سپاه منطقه، حضور در جبهه را بر هر کاری ترجیح داده و بارها به مناطق نبرد اعزام گردید که در آخرین اعزام در تیرماه ۱۳۶۱ در منطقه گیلانغرب به فیض عظیم شهادت نائل گردید.

در بخش‌هایی از وصیت‌نامه شهید دانشجو «قاسم باقی‌زاده» می‌خوانیم:

خدایا! انقلاب اسلامی را از انحراف‌ها حفظ فرما و آن را به صاحبش حضرت مهدی(عج) بسپار. خدایا عمر امام(ره) را طولانی بفرما و به امت اسلام توفیق شناخت امام زمان(عج) و نایب برحقش را عنایت بفرما.

آگهی ماده سه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی هیئت حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اندیمشک، املاک واقع در بخش چهار اندیمشک بشرح ذیل می‌باشد:

از پلاک ۹- اصلی: اتحادیه شرکت‌های تعاون روستایی اندیمشک بشماره ثبت ۳۷ شناسائی یک قطعه زمین و ساختمان واقع در آن به مساحت ۲۰۲۳/۲ مترمربع واقع در جاده انقلاب نبش خیابان ۱۵ متری به موجب رأی ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۰۵۶۳ - ۹۵/۲/۲۱ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۰۷۰۷- ۵۰۶/۱۱ به نام نصرت بیروم وند

از پلاک ۹- اصلی: آقای علی فتح کیانی فرزند علی امید شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۰ مترمربع واقع در کوی لور خیابان شهید منصوری‌نژاد به موجب رای ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۵۷ - ۹۴/۱۱/۲۴ هیئت تعیین تکلیف مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۳۷۷۱ - ۱۳۵۰/۱۲/۱۵ به نام روحاله سگوند

از پلاک ۹- اصلی: آقای اکبر مرادی فرزند شنبه شناسائی یک باب ساختمان به مساحت ۷۴/۶۰ مترمربع واقع در کوی لور خیابان ۲۲ بهمن بین خیابانهای جمشیدی‌فر و خوشخبر به موجب رای ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۱۷ - ۹۴/۱۱/۱۸ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۵۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام مهدی قلی‌کیانی

از پلاک ۹- اصلی: آقای مجتبی نامی‌پور فرزند دوستمحمد شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۵ مترمربع واقع در نبش خیابان بهاران ۲ حدفاصل بلوارچمران و خدابرست قلاوند به موجب رای ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۱۶ - ۹۴/۱۱/۱۸ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۰۷۰۵ و ۱۳۷۷۹ و ۱۰۷۱۰ به نام حاج رحیم قلی سگوند و مکوله ماکیانی و عباس امیدی‌فر

از پلاک ۹- اصلی: آقای اسماعیل سگوند فرزند ابراهیم شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۵۰ مترمربع واقع در خیابان نیکان ۷ به موجب رای ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۲۲ - ۹۴/۱۱/۱۹ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۵۹ - ۱۳۵۰/۷/۱۲ به نام هاشم سگوند هرموشی

از پلاک ۹- اصلی: آقای علی خان‌آبادی فرزند یداله شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۸۹/۶۰ مترمربع در خیابان بهار ۴ منشعبه از خیابان پرستو به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۳۵ - ۹۴/۱۱/۲۰ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۰۷۰۵ - ۱۳۵۰/۸/۵ به نام رحیم قلی سگوند

از پلاک ۹- اصلی: روحاله میرازوند فرزند عباس شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۲۹۷ مترمربع واقع در کوی لور خیابان بعثت به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۲۲۴۹ - ۹۴/۴/۱۵ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۷۶ - ۱۳۵۰/۷/۱۲ به نام شیرمحمد داچک

از پلاک ۹- اصلی: آقای سیدنوروز مرتضی‌نژاد فرزند سید رشید شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۰ مترمربع واقع در کوی رسالت خیابان بهادر ۶ به موجب رأی ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۰۳۰۶ - ۹۵/۱/۳۰ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۰۷۱۰- ۱۳۵۰/۶/۱۱ به نام عباس امیدی‌فر (قلی سگوند سابق)

از پلاک ۹- اصلی: آقای رحیم یعقوبوند فرزند علی‌آقا شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۵ مترمربع واقع در خیابان مهربان ۱ حدفاصل بلوار چمران و بلوار دکتر حسابی به موجب رأی ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۰۱۶۲ - ۹۵/۱/۱۵ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۷۱۰- ۱۳۵۰/۶/۱۱ به نام عباس امیدی‌فر (قلی سگوند سابق) و ۱۰۷۰۵ به نام رحیم قلی‌سگوند

از پلاک ۹- اصلی: آقای سید سعید میرزاوند فرزند سید آقامیرزا شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۷ مترمربع واقع در کوی لور خیابان انقلاب شهید شیرمحمد به موجب رأی ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۰۳۳۳ - ۹۵/۱/۳۱ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۵۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ نام مهدی قلی‌کیانی

از پلاک ۹- اصلی: خانم فاطمه موسوی نذروند فرزند سید بخشعلی شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۰ مترمربع واقع در کوی لور خیابان شهید شیرمهد به موجب رأی ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۰۳۳۴ - ۹۵/۱/۳۱ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۲۵۰۳۰۱۱- ۱۳۵۰/۶/۱۲ به نام مهدی قلی‌کیانی

از پلاک ۹- اصلی: آقای ستار طافی فرزند نوروز شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۳۴۴/۵۰ مترمربع واقع در کوی لور کوچه شهید علی‌جان بازگیر منشعبه از خیابان شهید رجایی به موجب رأی ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۰۳۷۰ - ۹۵/۲/۴ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۳۸۹۳ - ۱۳۵۱/۳/۱۱ به نام محمدرحیم قلاوند

از پلاک ۹- اصلی: خانم گلستان کیانیان فرزند حاضرخبک شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۵۸/۴۵ مترمربع واقع در خیابان راه‌آهن منشعبه از خیابان رضوان به موجب رأی ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۷۰۱۵۰۰۰۲۹۷ - ۹۵/۱/۲۹ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۷۰۱۰- ۱۳۵۰/۶/۱۱ به نام عباس امیدی‌فر (قلی سگوند سابق)

از پلاک ۹- اصلی: آقای رامین بیرانوند فرزند فتحعلی شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۹۵/۷۵ مترمربع واقع در کوی لور نبش خیابانهای ۲۲ بهمن و بعثت به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۱۹ - ۹۴/۱۱/۱۹ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۵۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام مهدی قلی‌کیانی

از پلاک ۹- اصلی: آقای عبدالناصر شهاوند فرزند ابوالفضل شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۶۱/۵۰ مترمربع واقع در کوی صنایع فولاد خیابان اریترین ۴ به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۵۳۲۵ - ۹۴/۱۲/۴ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۰۸۰۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ نام چنباره

از پلاک ۹- اصلی: آقای شامیرزا میرزاوند فرزند حیدر شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۵/۷۵ مترمربع واقع درکوی لور خیابان بعثت به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۵۴۴۹ - ۹۴/۱۲/۱۲ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۷۶ - ۱۳۵۰/۷/۱۲ به نام شیرمحمد داچک

از پلاک ۹- اصلی: آقای سیداحمد علی موسوی کیا فرزند سیدناظم شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۶۵/۴۰ مترمربع واقع در کوی لور خیابان انقلاب منشعبه از خیابان سعدی به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۲۳ - ۹۴/۱۱/۱۹ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۵۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام مهدی قلی‌کیانی

از پلاک ۹- اصلی:خانم دانعه‌ه حیدرنژاد فرزند ناظر شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۹۵/۷۵مترمربع واقع در کوی لور نبش خیابانهای ۲۲ بهمن و بعثت به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۱۹ - ۹۴/۱۱/۱۹ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۵۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام مهدی قلی‌کیانی

از پلاک ۹- اصلی: آقای عبدالرضا رایکا فرزند غلام شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۰ مترمربع واقع در خیابان ارغوان ۱ به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۵۸ - ۹۴/۱۱/۲۴ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۰۵۴۸ - ۱۳۵۰/۹/۱۳ به نام جانعلی غلامزاده

از پلاک ۹- اصلی: آقای مرتضی میرزاوند فرزند عطابیک شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۳/۴۷ مترمربع واقع در کوی لور خیابان سعدی به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۵۶ - ۹۴/۱۱/۲۴ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و ازنسق زراعی ۱۲۲۵۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام مهدی قلی‌کیانی

از پلاک ۹- اصلی: آقای سیدمرتضی موسوی نذروند فرزند سیدرضا شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۲۸۸/۵۲ مترمربع واقع در کوی رسالت خیابان بهار ۶ به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۳۷ - ۹۴/۱۱/۲۰ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۰۶۸۴ - ۱۳۵۰/۶/۱۱ به نام داراب حسنوند

از پلاک ۹- اصلی: آقای عبدالناصر میرزاوند فرزند حیدر شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۵/۷۵ مترمربع واقع درکوی لور خیابان بعثت به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۵۷ - ۹۴/۱۲/۱۲ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۷۶ - ۱۳۵۰/۷/۱۲ به نام شیرمحمد داچک

از پلاک ۹- اصلی: آقای سیداحمد علی موسوی کیا فرزند سیدناظم شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۶۵/۴۰ مترمربع واقع در کوی لور خیابان انقلاب منشعبه از خیابان سعدی به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۲۳ - ۹۴/۱۱/۱۹ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۵۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام مهدی قلی‌کیانی

از پلاک ۹- اصلی:خانم دانعه‌ه حیدرنژاد فرزند ناظر شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۹۵/۷۵مترمربع واقع در کوی لور نبش خیابانهای ۲۲ بهمن و بعثت به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۱۹ - ۹۴/۱۱/۱۹ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۵۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام مهدی قلی‌کیانی

از پلاک ۹- اصلی: آقای علی پناه ارشادی‌مهر فرزند علی‌مراد شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۰ مترمربع واقع در کوی لور خیابان شهید منصوری‌نژاد منشعبه از بلوار شهدای ۴ آذر به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۸۱ - ۹۴/۱۱/۲۵ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۲۲۵۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام مهدی قلی‌کیانی

از پلاک ۹- اصلی: خانم حمیده مودی فرزند حسن شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۵۶ مترمربع واقع در کوی صنایع فولاد نبش خیابان‌های اریترین ۴ و ۵ به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۴۹۲۱ - ۹۴/۱۱/۱۹ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۰۸۰۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام معدن چنباره

از پلاک ۹- اصلی: آقای نعمت‌اله سرتیپ‌زاده فرزند محمدحسین شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۲۵۰ مترمربع واقع در کوی صنایع فولاد خیابان فولاد به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۵۳۲۶ - ۹۴/۱۲/۴ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق زراعی ۱۰۸۰۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام معدن چنباره

از پلاک ۹- اصلی: آقای احمد سرتیپ‌زاده فرزند محمدحسین شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۵۰ مترمربع واقع در کوی صنایع فولاد خیابان اریترین ۴ بین اریترین ۵ و ۷ به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۵۳۲۴ - ۹۴/۱۲/۴ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و ازنسق زراعی ۱۰۸۰۰ - ۱۳۵۰/۶/۳۰ به نام معدن چنباره

از پلاک ۹- اصلی: آقای مهدی زمانی فرزند زمان شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۰ مترمربع واقع در کوی رسالت خیابان بهار ۲ منشعبه از خیابان عاشورا به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰۵۳۷۷ - ۹۴/۱۲/۸ هیئت تعیین تکلیف... مستقر در ثبت اندیمشک و از نسق‌های زراعی ۱۰۷۰۷ و ۱۰۷۱۰ و ۱۰۶۸۴ به نام عباس امیدی‌فر (سگوند قلی سابق)

از پلاک ۹- اصلی: آقای نورالدین برزویی فرزند سیف‌الدین شناسائی یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۹/۴۵ مترمربع واقع در کوی لور خیابان بهشتی روبروی کتابخانه معرفت به موجب رأی ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۱۵۰۰